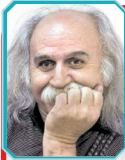


تقویم هنر و ادب به روایت یک قرن انتشار روزنامه اطلاعات - ۵۷

اجرای تئاتر «عشق پرنسس» با شرکت هوشنگ سارنگ و علی محزون



حسن فرامزند

۴ اردیبهشت ۱۳۲۷



در چنین روزی، آگهی تبلیغاتی اجرای تئاتر «عشق پرنسس» از نوشته‌های آفروس، نویسنده آلمانی، در تماشاخانه تهران درجیده اطلاعات منتشر شد. آن طور که در این آگهی دیده می‌شود، در این نمایش بازیگرانی چون: ایران قادری، شهلا ریاحی، صادق بهرامی، هوشنگ سارنگ، علی محزون و افشین بازی کرده‌اند. در این فرصت بد نیست که دربارهٔ دوچهره بازیگر که تاکنون دربارهٔ آنها مطلبی نگاشته نشده و حق آنها ادا نشده است، توضیحاتی داده شود. دربارهٔ مرحوم «هوشنگ سارنگ» (عکس سمت چپ) باید بگویم که او یکی از خوش صدترین بازیگران نمایش های رادیویی، به ویژه نمایش های «قصه شب» بود که از قدیم و تاکنون هم، از ساعت ۱۰ شب از رادیو ایران پخش می‌شود. او همچنین بازیگر سینما و تئاتر بود و از هنرستان بازیگری تهران فارغ التحصیل شده بود.

سارنگ فعالیت در تئاتر را از سال ۱۳۱۱ شروع کرد و با تئاترهای چون: «اتللو»، «احتکار شوهر» و «جاده زرین سمرقند» به عنوان بازیگر بر روی صحنه رفت و بعدها به عنوان گوینده نمایش های رادیویی و مجری وارد رادیو شد و در ادامه فعالیت های مستمر هنری خود، در سال ۱۳۳۲ موفق به ایفای نقش در فیلم سینمایی «گلنسا» به کارگردانی سرژ آرزاریان شد و سال بعد در فیلم بعدی همین کارگردان به عنوان بازیگر اصلی به ایفای نقش پرداخت. دربارهٔ مرحوم «علی محزون» (عکس سمت راست) نیز بگویم که او با نام اصلی «علی افسرمنش» بازیگر و کارگردان سینما بود و فعالیت هنری اش را با بازی در تئاتر از سال ۱۳۲۳ با نمایش «تاریخ مفقود» در تئاتر فرهنگ شروع کرد و با توجه به علاقه، استعداد و پشتکار فراوانی که داشت، به بازیگری صاحب نام در تئاتر و سینما تبدیل شد. تعدادی از نمایش های وی عبارتند از: «اسرار حرم»، «حافظ»، «امیر کبیر»، «شاهزاده خانم هامبورگ»، «کی به کیه» و... او فعالیت در سینما را از سال ۱۳۳۱ با ایفای نقش در فیلم «زنده باد خاله» آغاز کرد. از سال ۱۳۴۶ به فعالیت در رادیو نیز مشغول شد. علی محزون علاوه بر بازیگری، فعالیت های دیگری را نیز انجام داد؛ از جمله نویسندگی فیلمنامه و کارگردانی. وی تا آخرین سال اقامتش در ایران، همچنان در سینما فعال بود. آخرین حضور وی در سینما در فیلم «تیغ و ابریشم» در سال ۱۳۶۵ به کارگردانی مسعود کیمیایی بود.

اجرای دومینامه از محمدحجازی و پرویز خطیبی در صحنه

۴ اردیبهشت ۱۳۲۸



در چنین روزی، دو اعلان جداگانه دربارهٔ اجرای دومینامه از مرحوم مطبع الدوله یاهمان محمدحجازی و مرحوم پرویز خطیبی درجیده اطلاعات انتشار یافت. در اعلان اول آمده است که نمایش «ممشوق همه» کمدی درسه پرده به قلم پرویز خطیبی و با شرکت بانوان نسرين و ایران و آقایان تهرانی، ظهوری، مسعودزادگان، محمدی، عبدی و کوره چیان در تئاتر فرهنگ. در اعلان دوم نیز آمده است که نمایش فرنگی ماب یا عروس فرنگی، از نوشته های مطبع الدوله حجازی در جامعه بارید روی صحنه اجرا می‌شود. در مورد این دونویسنده در همین پاورقی در شماره های پیشین توضیحاتی داده شده که قابل جستجو است.

انتشار جنایات و مکافات از سوی انتشارات صفی علیشاه

۴ اردیبهشت ۱۳۲۸

در چنین روزی، اعلان انتشار جلد اول رمان «جنایات و مکافات» اثر ادوینا یوسفسکی با ترجمه ای از آقای لاله زاری از سوی بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه درجیده اطلاعات منتشر شد. این رمان برای اولین بار در سال ۱۸۶۶ به عنوان پاورقی در یک مجله روسی چاپ شد و سپس در قالب یک کتاب از سوی یک انتشاراتی روسی به بازار آمد. این کتاب تاکنون با ترجمه های بسیاری توسط انتشاراتی های مختلف به چاپ رسیده است، اما اکثر مترجمین بر این نکته اند که بهترین ترجمه از خانم مهری آهی در انتشارات خوارزمی است. این رمان، داستان دانشجویی به نام راسکولنیکف را روایت می‌کند



که به خاطر اصول، مرتکب قتل می‌شود. بنا بر انگیزه‌های پیچیده‌ای که حتی خود او از تحلیل شان عاجز است، زن رباخوار یهودی را همراه با خواهرش که غیرمنتظره به هنگام وقوع قتل در صحنه حاضر می‌شود، می‌کشد و پس از قتل، خود را ناتوان از خرج کردن پول و جواهراتی که برداشته می‌بیند و آنها را پنهان می‌کند. بعد از چند روز بیماری و بستری شدن در خانه، راسکولنیکف هرکس را که می‌بیند، می‌پندارد به او مظلون است و با این افکار، کارش به جنون می‌رسد. در این بین او عاشق سونیا، دختری که به خاطر مشکلات مالی خانواده‌اش دست به تن فروشی زده بود، می‌شود. داستانی فلسفی این رابطه را به نشانه مهر خداوندی به انسان خطاکار استفاده کرده‌است و همان عشق، نیروی رستگاری بخش است. البته راسکولنیکف بعد از اقرار به گناه و زندانی شدن در سبیری، به این حقیقت رسید.

واگذاری بنای آرامگاه بوعلی به شهرداری همدان

۴ اردیبهشت ۱۳۳۱



در چنین روزی در راپورتی کوتاه درجیده اطلاعات آمده است: «ساختمان بنای آرامگاه بوعلی سینا در همدان خاتمه یافت و از طرف شرکت مقاطعه کار تحویل نمایندگان انجمن آثاری گردید. برای حفاظت و نگهداری این آرامگاه، بنا بر مذاکراتی که بین انجمن آثاری و وزارت فرهنگ و فرمانداری و شهرداری همدان صورت گرفت، موافقت شد که مسئولیت حفظ بنا به عهده شهرداری همدان گذاشته شد.» در این خبر توضیح داده نشده که طراح و معمار اصلی این بنای تاریخی، مهندس هوشنگ سیحون بوده است. هوشنگ سیحون در ۲۳ سالگی نخستین اثر معماری خود، بنای یادبود آرامگاه ابن سینا را طراحی کرد. از میان دیگر پروژه‌های طراحی و ساخته شده‌ی وی نیز می‌توان به آرامگاه بزرگانی چون: خیام، کمال الملک، نادرشاه افشار و دهها آرامگاه دیگر اشاره کرد. (عکس مهندس سیحون را در اینجا مشاهده می‌کنید.)

انتشار پاورقی طوطی مجله روشنفکر در قالب یک کتاب

۴ اردیبهشت ۱۳۳۵



در چنین روزی در اعلانی درجیده اطلاعات، خاطرنشان شد که داستان مهیج تاریخی طوطی که به صورت پاورقی در مجله هفتگی روشنفکر چاپ می‌شد، به صورت کتاب منتشر می‌شود. مجید دوامی، روزنامه‌نگار معروف و پایه‌گذار مجله زن روز در ایران بود. دوامی همچنین به خاطر گزارش‌ها و مصاحبه‌های جنجالی‌اش در دوران ملی شدن صنعت نفت و دادگاه مصدق نیز معروف بود. او پیش از زن روز، سردبیر مجله اطلاعات هفتگی و سپس مجله روشنفکر بود. مجید دوامی از بیست سالگی، همکاری خود را با روزنامه اطلاعات آغاز کرد و پس از کودتای ۲۸ مرداد برای تحصیل به آمریکا رفت و با مدرک فوق لیسانس در رشته روزنامه‌نگاری به ایران بازگشت و سردبیر روزنامه اطلاعات شد. او در ۷ سال پایانی عمرش به بیماری آلزایمر مبتلا شد و در نهایت در ۱۶ اسفند ۱۲۸۵ در خانه‌ی سالمندان در کشور نروژ درگذشت.

اکران فیلم های فستیوال سال ۱۳۳۴ در سینما کریستال

۴ اردیبهشت ۱۳۳۴



در چنین روزی سیامک پورزند در اطلاعاتی به نیابت از هیأت تحریریهٔ مجله «ستاره سینما» و مدیریت کنگره سینمایی ایران، به آن دسته از علاقه‌مندیانی که به دلیل کمبود جا و دیگر مشکلات، موفق به تماشای فیلم های فستیوال ۱۳۳۴ نشده بودند، یاد آور کرد که می‌توانند این آثار را که به مرور در سینما کریستال اکران می‌شود، تماشا کنند. سیامک پورزند، روزنامه نگاری بود که کار خود را با روزنامه «باختر امروز» به مدیریت دکتر حسین فاطمی شروع کرد. کار او در این روزنامه به عنوان محقق و خبرنگار امور شهری، فرهنگی، هنری و پارلمانی تا روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ادامه داشت و در پائیز سال ۱۳۳۳، مجله هفتگی پیک سینما را تأسیس کرد و نویسندگانی چون: پرویز ناتل خانلری، سعید نفیسی، اسماعیل مهرتاش، علی اصغر گرمسیری، محمود عنایت، فریدون رهنما، هوشنگ کاووسی، نصرت کریمی و بسیاری دیگر با این مجله همکاری کردند. مدیریت برگزاری اولین جشنواره فیلم‌های ایرانی و فیلم‌های برگزیده کشورهای خارجی در اسفند ۱۳۳۳ و اردیبهشت ۱۳۳۴ به‌طور رسمی با سیامک پورزند بود که زیر نظر رئیس دانشگاه تهران و رئیس وقت اداره کل هنرهای زیبای کشور قرار داشت.

نوشته‌های پراکنده

۲۹۳



محمد صالح علاء

خرج اتینا کردن!

یکی از عبارتهای پرمصرف در زبان مردموار، عبارت: «پول را خرج اتینا کردن» است یا «چرا پول‌ها را خرج اتینا می‌کنی؟». بیشتر پدرهای دلسوز، به فرزندان‌شان می‌گویند: مراقب باش پول‌هایت را خرج اتینا نکنی. یا می‌گویند دیدی فلانی هرچه پول داشت، خرج اتینا کرد و خود را به این روز انداخت؟



پس شما به روشنی می‌دانید که خرج اتینا یعنی چه؟ زیرا این عبارت چنان رایج است که همه می‌دانند. البته اتینا با تاتی منقو، تاتی دو نقطه است که در لغت اتینا اسم حشره‌های کوچک و خردی است و در زبان شفاهی اتینا به مردم فرومایه می‌گویند. اما شادروان جنت‌مکان «امیرقلی امینی» نویسنده معتقد است که آن وقت‌ها در مجلس‌های عروسی قدیم و مانند آن، پس از آنکه مطرب‌ها یک دست می‌نواختند و می‌خواندند و بشکن‌ها می‌زدند دست دوم یک دور در مجلس می‌چرخیدند و در برابر هر یک از مهمان‌های مجلس می‌نشستند و پس از کمی عشوهروشی، سر و تن جنبانند و دلبری کردن‌ها، زنگی را که در شست یک دست نعلیکی را که در دهان داشتند جلو می‌برند تا مهمان مناسب شأن و همت خود سکه‌ای از زیا نقره را در نعلیکی او بگذارد که در واقع مهمان پولی را مفت از دست می‌داد و به همین مناسبت به خرج‌های در ظاهر بیهوده و بی‌مصرف، عنوان «خرج اتینا» داده‌اند و این عبارت جزو اصطلاح‌های مثلی در زبان ما جا گرفت.

البته شما بهتر می‌دانید که اصل این کلمه «اتینا» نیست بلکه اتینا صورتی است که در زبان شفاهی مردم‌وار به این صورت درآمده. درحالی که اصل کلمه مبتدا به عین و طای مؤلف است. یعنی در گذشته‌های دورتر، هنگامی که در مجلس خوشباش‌ها، شاباشی به مطرب‌ها داده می‌شد، معمولاً سر دسته مطرب‌ها به آواز بلند، چنان که همه صدایش را بشنوند، اعلام می‌کرد و می‌گفت: اعطینا!... اعطینا لغت عرب است؛ یعنی مرحمت فرمودند عطا کردند.

پس اعطینا واژه‌ای است که در زبان ما بر سر زبان‌ها افتاده است. البته چنان که می‌دانیم، در گذشته کلمه‌های عربی در زبان ما رایج‌تر بوده، اما اعطینا به زبان ما مهاجرت کرده و ماندگار شده؛ چنان که به صورت ارسال مثل درآمده است. حتی امروز هم به کسی یا کسانی که بی‌دلیل، بدون دوراندیشی و بی‌مطالعه رو به غروب نشسته و زرقاشی و درمبختی‌ها می‌کنند، می‌گویند فلانی همه پول‌ها را خرج اتینا کرده که: «خرج چو از کیسه مهمان بود، حاتم طایی شدن آسان بود».

که اشاره به همان حاتم از قبیله طی، شاعر گشاده‌دست و بخشنده و جوانمرد پیش از اسلام است. البته او از کیسه خودش می‌بخشید، نه آنکه از کیسه دیگرها خرج کند. و تازه به جای پاسخ به مردم، سینه سپر کرده و بگوید:

نه فکر دنیا می‌کنم، نه فکر عقبی می‌کنم

هرچه که پیدا می‌کنم، خرج اتینا می‌کنم!